

رحیق

نقد و ارزیابی شبهات برهان حدوث

(سید الوافضل کاظمی)

دانش پژوه رشته تخصصی کلام اسلامی، ورودی ۸۲



برهان حدوث در الهیات اسلامی به ویژه نزد متکلمان از اهمیت ویژه ای برخوردار است تا آنجا که به عنوان طریق ویژه متکلمان نامیده شده است.

حدوث در لغت مصدر حدث الشئ می باشد به عبارت دیگر حدوث همان «کون شئی لم یکن» است.^۱ اما در اصطلاح متکلمین حدوث همان بودن یک شئی است بعد از عدم و وقتی می گوئیم فلان شئی حادث است. یعنی قبلاً نبود و حالا بود شد. پس حدوث یعنی مسبوقیت شئی به عدم، و قدم یعنی عدم مسبوقیت شئی به عدم. گاهی به جای لفظ قدم واژه غیر را می آورند و می گویند حدوث یعنی مسبوقیت وجود شئی به غیر خودش و قدم عبارت است از عدم مسبوقیت

^۱ ابن المنظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۷.

وجود شئی به غیر خودش^۱.

به چنین حدوثی حدوث زمانی می گویند: یعنی زمانی بود که این شئی نبود و سپس به وجود آمد که در مقابل آن قدیم زمانی می باشد. و متکلمین جهان را حادث به حدوث زمانی می دانند یعنی می گویند زمانی بود که عالم نبود و بعدا خداوند عالم را خلق کرد.

صورت برهان حدوث

برهان حدوث به گونه های متفاوتی تقریر شده است که به عنوان نمونه به یکی از آن تقریرات اشاره می شود.

صغری: عالم یعنی مجموع ماسوی الله از سماوات و ارضین حادث است.

کبری: هر حادثی نیازمند محدث و ایجاد کننده می باشد.

نتیجه: پس عالم به محدث و ایجاد کننده نیازمند است.^۲

اثبات صغری از چند طریق امکان دارد: ۱- آیات و روایات. ۲- از طریق حرکت جوهری. ۳- از طریق اثبات علوم تجربی و آزمایشگاهی.

اثبات صغری از طریق آیات و روایات

آیات زیادی از قرآن کریم دلالت بر حدوث عالم هستی دارند که به چند نمونه از آن اشاره می کنیم.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ

^۱ علامه مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۰، ص ۲۳۱، ۲۳۲.

^۲ محمدی، علی، شرح کشف المراد، ص ۶۳.

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۱ او کسی است که همه آنچه در زمین است را برای شما آفریده سپس به آفرینش عالم بالا پرداخت و آنها را هفت قسمت قرار دارد و خداوند به هر شیئی آگاه است.

«وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲

با توجه به آیات فوق معلوم می شود که از نظر قرآن حدوث عالم امری مسلم و بدیهی است و علاوه بر حدوث عالم حدوث نفس انسان و یا حدوث آسمانها و عوالم فوقانی نیز مورد تایید قرآن می باشد.

علاوه بر آیات قرآن روایات فراوانی اشاره به حدوث عالم دارد که ما به عنوان نمونه یک روایت را ذکر می کنیم.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ای نسبت به حدوث عالم می فرمایند.

لم يخلق الأشياء من أصول أزليّة، ولا من أوائل أبدية، بل خلق ما خلق فأقام حدّه، وصوّر ما صوّر فأحسن صورته، ليس بشيء منه امتناع^۳.

پدیده‌ها را از مواد ازلی و ابدی نیافرید بلکه آنها را از نیستی به هستی آورد و برای هر پدیده ای حد و مرزی تعیین فرمود و آنها را به نیکوترین صورت زیبا صورتگری کرد.

و همچنین در سایر کتب روایی شیعه از قبیل اصول کافی روایاتی در رابطه با حدوث عالم

بیان شده است.^۴

^۱ بقره، / ۲۹.

^۲ نور / ۴۵.

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۶۳.

^۴ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۲۹.

اثبات صغری از طریق حرکت جوهری

علامه طباطبائی می فرمایند: برهان متکلمین برهان حدوث است و می گویند که بر اساس حرکت جوهری متن عالم جسمانی در سیلان و حرکت است و هستی یکپارچه حرکت می کند و متحرک عین حرکت است و هر لحظه عالم حادث می شود که بر این مبنا اثبات حدوث زمانی برای عالم میسر است و عالم آن به آن نو و تازه می شود.

العالم كله اجسام والاجسام لا تخلو عن الحركة والسكون و هما حادثان و ما لا يخلومن الحوادث فهو حادث فالاجسام كلها حادثه و كل حادث مفتقر الى محدث فمحدثها امر غير جسم و لا جسمانی.^۱

در جایی دیگر علامه طباطبائی می فرمایند: هم مشاهده ابتدایی به ثبوت رسانده و هم با کنجکاوای علمی بدست می آید که اجزاء جهان با همدیگر ارتباط وجودی دارند و این ارتباط و به هم پیوستگی نه تنها در میان دسته ویژه ای از جهان می باشند بلکه تا هر جا باریک بین شده و چه بررسی بپردازیم رشته ارتباط را محکم تر می بینیم.^۲

بنابراین جهان در وجود خود متغیر و متمول می باشد یعنی پس از نیستی هستی می پذیرد زیرا در هر راهی بر محاسبه حوادث جهان بپردازیم سرانجام به حرکت عمومی خواهیم رسید و حرکت، هستی است پس از نیستی و وجودی است آغشته به عدم و به مقتضای قانون علت و معلول هر موجود حادثی نیازمند علت می باشد.

^۱ علامه طباطبائی، محمد حسین، نهایه الحکمه، ج ۴، ص ۱۲۴۹، با تعلیقه غلامرضا فیاضی.

^۲ علامه طباطبائی، محمد حسین، اصول فلسفه و روشی رئالیسم، ج ۵، ص ۱۷-۱۸.

علامه مطهری می گویند: جهان به حکم قانون عمومی حرکت خصوصا با توجه به حرکت جوهری ذاتی دائما در حال حدوث است و چون مجموعا یک وجود خارجی است پس یک واحد حادث است البته حادثی که حدوثش تدریجی است و دائما در حال حدوث و حرکت است و هر واحد حادث نیازمند به علت محدث است پس جهان به عنوان یک واحد حادث و نیازمند به محدث و پدید آورنده واحد است.^۱

اثبات صغری از طریق علوم تجربی

اصل دوم ترمودینامیک که از قوانین فیزیکی است گویای این واقعیت است که اگر دو جسم گرم و سرد کنار هم قرار داشته باشند گرما از جسم اول به جسم دوم انتقال می یابد و این انتقال گرما تا ایجاد تعادل بین دو جسم ادامه دارد این جریان را گرایش به تعادل نیز می نامند. فرانک آلن استاد فیزیک زیستی می گوید: قانون دوم ترمودینامیک ثابت کرده است که جهان پیوسته به وضعی روان در جریان است که در آن تمام اجسام به درجه حرارت پست مشابهی می رسند و دیگر انرژی قابل مصرف وجود نخواهد داشت و در آن حالت، آغازی دیگر برای زندگی ممکن نخواهد بود. بنابراین اگر جهان آغازی نداشت و از ازل موجود بود باید پیش از این چنین حالت مرگ و رکود حادث شده بود.^۲

بنابراین با توجه به این دلایل نتیجه می گیریم که جهان متغیر و متحول است و هر آنچه متغیر و متحول باشد حادث است. پس جهان حادث است که همان مطلوب ما می باشد.

^۱ علامه مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۶، ص ۹۹۵.

^۲ کلور مونسما، اثبات وجود خدا به قلم چهل تن از دانشمندان و ترجمه احمد آرام، ص ۱۸-۱۹.

اثبات کبری برهان حدوث

در کبری برهان گفتیم هر حادثی به محدث و ایجاد کننده نیازمند است، برای تبیین کبری احتمالاتی مطرح شده است که ما آنها را بررسی می کنیم و نتیجه صحیح را اتخاذ می نماییم.

احتمالات مطرح شده نسبت به کبری استدلال

۱- عالم هستی خودبخودی و به صورت تصادف ایجاد شده باشد.

نقد: این سخن که عالم هستی تصادفاً بوجود آمده باشد خلاف قانون علیت است و همچنین

ترجیح بلا مرجح است.

۲- عالم هستی خودش آفریدگار خویش می باشد.

نقد: لازمه این سخن تقدم الشی علی نفسه می باشد یعنی چیزی که هنوز بوجود نیامده و به

تعبیری حادث نشده است چطور می تواند به خودش هستی بدهد و خویش را به وجود آورد.

۳- هر کدام از پدیده ها علت وجود پدیده دیگر باشد.

نقد: لازمه این سخن دور و تسلسل است که هر دو باطل می باشد.^۱

۴- حقیقتی ماوراء جهان ماده و مادیات وجود دارد که آن حقیقت آفریدگار این حوادث

می باشد و خود قدیم است نه حادث تا لازم آید که محتاج به محدث باشد بنابراین آن حقیقت

محدث و بوجود آورنده تمام حادثات این عالم خواهد بود که این موضوع با توجه به آیات قرآن

^۱ محمدی، علی، شرح کشف المراد، ص ۶۲.

و غیره اثبات می شود آن جایی که قرآن کریم می فرماید: أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ*

أَمْ خُلِقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَّا يُوقِنُونَ^۱

با توجه به آیه شریفه معلوم می شود که سه فرض نخست باطل است و فرض چهارم صحیح می باشد.

اشکالات برهان حدوث

برهان حدوث با اشکالات اساسی روبرو شده است تا جایی که عده ای از دانشمندان معتقدند این برهان به تنهایی برای اثبات ذات باری کافی نیست و باید برهان امکان و وجوب را به آن ضمیمه نمائیم همانطور که ابن سینا به این سخن معتقد می باشد.

اشکالاتی که بر این برهان وارد است برخی بر صغری و برخی بر کبری قیاس وارد می باشد که به آنها اشاره می شود.

اشکال اول: اشکال بر طریق روایات و حرکت جوهری:

اگر عالم را متشکل از اجزاء بدانیم چگونه می خواهید اثبات کنید که عالم و مجموع ماسوی الله متغیر و حادث است چرا که در برخی اشیاء ما حتی حرکت ظاهری آنرا نمی بینیم تا چه رسد به حرکت باطنی و درونی آنها که اصل و اساس حرکت جوهری باشد.

^۱ سوره طور، آیه ۳۵-۳۶.

پاسخ از اشکال اول:

اگر ثابت کنیم که مجموع عالم یک واحد است و نه مجموعه ای از اجزاء مختلف که البته این سخن در علم تجربی نیز به اثبات رسیده است که چون اجزاء جهان با هم در ارتباطند و بر هم تاثیر و تاثر می گذارند از این حیث می توان عالم را یک واحد ارتباطی و تاثیر و تاثری دانست، لذا عالم یک واحدی است که اگر در گوشه ای از این عالم تغییری صورت پذیرد گویا کل جهان تغییر کرده است زیرا در یک وحدت جوهری و وجودی نمی توان فرض کرد که بخشی از آن متحرک باشد، و بخش دیگر غیر متحرک و ساکن باشد.

علامه مطهری می گوید: جهان به حکم عمومی قانون حرکت خصوصا با توجه به حرکت جوهری ذاتی دائما در حال حدوث است و چون این عالم مجموعا یک وجود خارجی است پس یک واحد حادث است البته حادثی که حدوثش تدریجی است و دائما در حال حدوث و حرکت می باشد و چون همه جهان یک واحد شخصی می باشد پس همه جهان یک واحد ممکن است و هر ممکنی نیازمند علت ماوراء خود است پس جهان نیازمند علت موجد است و این برهان آنگاه تمام است که این مقدمه یعنی جهان یک مجموعه واحد است ثابت شود.^۱

اشکال دوم: اشکال راسل بر قانون ترمودینامیک.

برتراند راسل با اینکه دلالت قانون فیزیکی مزبور را بر جهان می پذیرد ولی استدلال بر آن را به وجود آفریدگار نادرست دانسته است و می گوید آیا از اینجا می توانیم استنتاج کنیم که جهان بدست آفریننده ای خلق شده است؟

^۱ علامه مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۶، ص ۹۹۵.

راسل می گوید دلیلی وجود ندارد. که جهان به خودی خود ایجاد نشده باشد جز اینکه این امر به نظر عجیب می رسد اما در طبیعت هیچ قانونی وجود ندارد دال بر اینکه چیزهایی که به نظر عجیب باشند نباید روی بدهند بنابراین استنتاج وجود خالق مترادف است با استنتاج وجود یک علت و استنتاجات علمی در حوزه علم تنها زمانی مجاز هستند که از قوانین علی آغاز شده باشند خلقت از عدم چیزی است که به تجربه ممتنع است و تصور اینکه جهان بدست خالق آفریده شده باشد همینطور به هیچ وجه منطقی تر از فرض اینکه از عدم بوجود آمده باشد و یا اینکه بدون علت ایجاد شده باشند نیست چه اینکه هر دوی اینها خلقت از عدم یا خلقت توسط خالق و آفریدگار توسط قانون علی و معلولی که ما قادر به مشاهده آن هستیم به طور یکسان نقض می شود.^۱

پاسخ از اشکال دوم:

به طور خلاصه چندین جواب به راسل می دهیم بدین گونه که اولاً اشکال راسل ناشی از مبنای پوزیتیویستی او در معرفت شناسی است یعنی تکیه بر اصل تحقیق پذیری حسی و این که هر اندیشه ای که از طریق تجربه حسی قابل آزمایش نباشد ارزش علمی ندارد و پذیرفته نیست و این مبنا از نظر فیلسوفان علم معاصر نیز مردود است.

ثانیاً: اصل استدلال شما نیز باطل است چون می گوئید هر چه که قابل تجربه نباشد قابل اثبات نیست و ارزش علمی ندارد بنابراین همین سخن شما هم قابل تجربه و آزمایش نیست پس باطل می باشد.

^۱ نورانی، مصطفی، جهان بینی علمی، ص ۱۱۴-۱۱۵.

ثالثاً: یک سری اصول داریم که اصلاً قابل تجربه و آزمایش نیستند ولی مورد قبول همگان حتی شما می باشد مانند اصل تناقض اصل علیت و غیره.

اشکال سوم:

چه اشکالی دارد این محدث که حادث نیست و قدیم است از همین عالم ماده باشد پس چرا باید این قدیم فوق طبیعی و واجب الوجود باشد.

پاسخ اشکال سوم:

طبق حرکت جوهری می توان گفت که عالم وقتی حرکت می کند و حادث است که ماده المواد آن هم حرکت می کند و همینطور می توانیم اثبات کنیم که عالم طبیعت بالکل حادث است بنابراین آن علتی که ما به عنوان محدث اثبات می کنیم باید از ماوراء عالم طبیعت باشد، چون عالم هستی مجموعاً حادث است.

محدوده برهان حدوث

برهان حدوث به محدثی که قدیم باشد هدایت می کند ولی عهده دار اثبات وجوب موجود قدیم نمی باشد. و محدث قدیم همان گونه که در کتب کلامی مطرح است می تواند جسم یا صورت جسمیه باشد، زیرا حدوث در نزد متکلمان مربوط به عوارض و اوصاف اجرام مادی می باشد و لذا برهان حدوث محدث را در محور همان اوصاف و عوارض ثابت می کند. بنابراین برهان حدوث اینطور تقریر می شود که عالم در عوارض و اوصاف خود متغیرات و هر چه در عوارض و اوصاف خود متغیر باشد در همان اوصاف و عوارض حادث خواهد بود.

و بر همین اساس قیاس دوم اهل کلام نیز که می گویند عالم حادث است و هر حادث نیازمند به محدث است، پس عالم محتاج به محدث است به این صورت بیان می شود که:

عالم در عوارض و اوصاف خود حادث است و هر چه در عوارض و اوصاف خود حادث باشد در عوارض و اوصافش نیازمند محدث است، پس عالم در عوارض و اوصافش محتاج به محدث می باشد و با این بیان گوهر و ذات عالم طبیعی و جسمانی همان گونه که از حرکت و تغییر و حدوث مصون می ماند از محرک و محدث نیز بی نیاز می شود.

بدین ترتیب قائلین به برهان حدوث شبهه ازلیت ماده یا صورت جسمیه را نمی توانند دفع کنند زیرا جسم که مرکب از صورت و ماده است در بیرون از ذات یعنی در محور عرض یا صورت نوعیه ای که بر جسم عارض می شوند متغیر بوده و محتاج به محدث یا محرک می باشند.^۱



^۱ آیت الله جوادی آملی، تبیین براهین اثبات خدا، ص ۱۷۱-۱۷۹.

منابع:

۱. ابن منظور، لسان العرب، دار صادر، ۱۹۹۸ م
۲. جوادی آملی، تبیین براهین اثبات خدا، قم، نشر اسراء، اول، بی تا.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، با مقدمه و تعلیقات مرتضی مطهری، قم، انتشارات اسلامی، بی تا، ج ۱، ۲، ۳.
۴. طباطبایی، سید محمدحسین، نهاییه الحکمه، ج ۴، ص ۱۲۴۹، با تعلیقه غلامرضا فیاضی.
۵. کلور مونسما، اثبات وجود خدا به قلم چهل تن از دانشمندان و ترجمه احمد آرام،
۶. کلینی، اصول کافی،
۷. محمدی، علی، شرح کشف المراد، ص ۶۳.
۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۰، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ ش، ج ۳.
۹. نورانی مصطفی، جهان بینی علمی

